

تحلیل سندی و فقه الحدیثی روایات تخریب مساجد توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۳

اکرم زاهد^۲
سیدمحمدباقر حجتی^۳
مهدی مهریزی^۴

چکیده

در روایات اسلامی خبر از وقایع خاصی همچون تخریب خانه کعبه و برخی مساجد و اماکن مقدس در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داده شده است. این نوع روایات در میان احادیث شیعه موجب انتقاداتی به عقاید این مکتب در موضوع مهدویت شده است. فلذا تحلیل سندی و فقه الحدیثی این روایات، برای پالایش میراث حدیثی شیعه و پاسخ‌گویی به شبهات ضروری است. در این باره نه روایت در منابع حدیثی شیعه وجود دارد که سند هشت روایت ضعیف و یک روایت صحیح است و از لحاظ دلالی، مراد از تخریب بازگرداندن این اماکن به حالت اولیه یا خالی کردن آن‌ها از بدعت‌ها و عدم تأثیرپذیری از ابنیه اشرافی، مانند قصرها و عدم تشبیه به عمل مجوس و همچنین رفع مزاحمت برای همسایگان است. **کلید واژه:** امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تخریب مساجد، کعبه، مساجد، روایات تشیع.

۱. برگرفته از: «احادیث منسوب به جعل در مسأله مهدویت: بررسی سندی، متنی»، رساله دکتری اکرم زاهد، استادان راهنما: سیدمحمدباقر حجتی، مهدی مهریزی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (a.zahed92@gmail.com).
۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (hojati@tpf-iau.ir).
۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) (toosi217@gmail.com).

۱. مقدمه

اعتقاد به منجی و مسأله «موعود» در تاریخ ادیان یک عقیده عمومی و مشترک است و امید به ظهور مصلح نهایی مورد اتفاق همه ادیان است. با نگاهی به تاریخ انبیا درمی یابیم که بشارت به مصلح و منجی بعدی سیره مشترک همه انبیا بوده و از این طریق در ذهن همه امت ها امید به منجی شکل گرفته است. در اسلام، چه در قرآن و چه در کلام پیامبر ﷺ و ائمه معصومین بشارت های فراوانی درباره ظهور منجی آخر الزمان آمده است. زرتشتیان در انتظار سوشیانس، یهود در انتظار ماشیح و مسیحیان در انتظار بازگشت حضرت عیسی و پسرانسان، هندوها به امید ظهور کلکی و بوداییان منتظر آمدن بودای پنجم هستند.

منجی در شیعه فرزند دوازدهم از نسل رسول خدا ﷺ و فرزند امام حسن عسکری ﷺ و حضرت نرجس (س) است که در سال ۲۵۵ق، متولد شده و پس از شهادت پدر بزرگوارشان از دیدگان غایب و طبق روایات، زمانی که زمین پر از ظلم و جور شود، ظهور خواهد کرد. ظهور امام زمان ﷺ همراه با علائم و نشانه هایی مانند صیحه آسمانی، خروج سفیانی، خسف پیدا و... همراه است. امام زمان ﷺ در هنگام ظهور و پس از آن اقداماتی انجام خواهند داد که از جمله آن ها گسترش عدالت، انتقام از ظالمان، سنت و دین جدید،... است. در کنار این موارد، روایاتی مبنی بر تخریب کعبه، مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد کوفه و بازگرداندن آن ها به حالت اولیه و تغییر در ساختمان سایر مساجد توسط امام زمان ﷺ نیز وجود دارد. از همین رو، از جانب گروه های سلفی یا سنی کتاب هایی در زیر سؤال بردن مهدویت، آن گونه که در منابع شیعه آمده است، نوشته شده و بحث مهدویت را جعلی و ساختگی دانسته اند. فضای پرتلهاب سؤال و شبهه و انتقاد در موضوع مهدویت اهمیت بررسی های علمی را در این زمینه نشان می دهد. بنابراین، پالایش احادیث در موضوع مهدویت، با استفاده از معیارهای ارزیابی صدور شیعه، منجر به تثبیت فکر شیعه در این باب و پاسخ گویی به شبهات خواهد شد و به رشد حوزه های معرفتی در این موضوع کمک خواهد کرد.

در زمینه بررسی روایات دال بر تخریب مساجد توسط امام زمان ﷺ کار پژوهشی مستقلی صورت نگرفته و به صورت ضمنی، در برخی کتب به آن پرداخته شده است؛ به طور مثال، در پاسخ گویی به شبهات قفاری درباره اندیشه مهدویت در کتاب دلیل روشن، برای شبهه تخریب کعبه و مسجد الحرام، دلایلی اقامه شده است^۱ که به دلیل پاسخ گویی به شبهه وارد

۱. دلیل روشن، ص ۳۴۵.

شده، به صورت نقضی، چندین روایت از کتب اهل سنت به عنوان شاهد ذکر شده و برخی از روایات شیعه نیز بیان شده است. همچنین، به طور کامل تمامی روایات مربوط به تخریب - که شامل تخریب مساجد خاص و همچنین قسمتی از ساختمان مساجد است - بررسی نشده و در بررسی محتوایی، متن احادیث مورد واکاوی قرار نگرفته و به شاهد قرآنی موضوع در بحث تخریب مسجد ضرار نیز اشاره نشده است.

از همین رو، مسأله اصلی این مقاله تحلیل سندی - فقه الحدیثی روایات بیان‌گر تخریب مساجد توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه است

۲. گونه‌شناسی روایات بیان‌گر تخریب مساجد توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه

روایات مهدوی از زوایای مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند و به اعتبارات گوناگونی قابل تقسیم هستند. مراد از گونه‌شناسی، دسته‌بندی روایات در موضوعات مشابه است. در منابع روایی شیعی، نه روایت درباره تخریب مساجد توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه نقل شده است. این روایات در دو دسته کلی بازگرداندن مسجد به حالت اولیه و تخریب قسمتی از مسجد جای می‌گیرند.

۱-۲. بازگرداندن مسجد به حالت اولیه

از مجموع نه روایات، در چهار روایت، هدف از تخریب مسجد، بازگرداندن آن به حالت اولیه خودش ذکر شده است. در این روایات، امام زمان عجل الله تعالی فرجه بعد از ظهور، خانه کعبه، مسجد الحرام، مسجد پیامبر و مسجد کوفه را به حالت اولیه خود برمی‌گرداند.

۱-۱-۲. بازگرداندن بیت الله الحرام، مسجد النبی و مسجد کوفه به حالت اولیه

این روایت را اولین بار کلینی این گونه نقل کرده است:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عجل الله تعالی فرجه قَالَ: إِنَّ الْقَائِمَ عجل الله تعالی فرجه إِذَا قَامَ رَدَّ الْبَيْتَ الْحَرَامَ إِلَى أَسَاسِهِ وَمَسْجِدَ الرَّسُولِ إِلَى أَسَاسِهِ وَمَسْجِدَ الْكُوفَةِ إِلَى أَسَاسِهِ. وَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ: إِلَى مَوْضِعِ التَّمَارِينَ مِنَ الْمَسْجِدِ.^۱

این عبارت که در ادامه حدیث ذکر شده، جمله ابوبصیر است که محدوده برگرداندن

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۳.

مسجد کوفه را به اساس خودش نشان می‌دهد.

کلینی این حدیث را در باب نوادر کتاب الحج ذکر کرده است. این جایگاه نقل حدیث در نگاه کلینی، بیان‌گر این است که وی از این حدیث، توسعه مسجد را مدنظر داشته است؛ اما این که چرا یک باب مستقل به آن اختصاص نداده و در باب نوادر آن را ذکر کرده، چیزی در دست نداریم. شیخ طوسی نیز همین حدیث را عیناً در کتاب الحج، باب «من الزیادات فی فقه الحج» نقل کرده است.^۱ مجلسی دوم در شرح خود بر تهذیب الاحکام این حدیث را مرسل می‌داند.^۲ بر اساس ارزیابی نرم افزار درایة النور، این حدیث، مرسل و در نتیجه، ضعیف است. منظور از مرسل در این دو نظر، هر نوع افتادگی از سند است؛ چرا که یکی از تعاریف حدیث مرسل همین تعریف عام است.^۳ علامه مجلسی در شروع خود بر الکافی و تهذیب الاحکام هیچ توضیحی درباره این حدیث نمی‌دهد. همچنین وی در بحار الانوار نیز همین حدیث را در باب زیارت امام علی علیه السلام در باب «فضل الکوفة و مسجدھا الأعظم و أعماله» ذکر می‌کند.^۴ در منابع تفسیر روایی نیز این حدیث نقل نشده است.

عبارت کلیدی در فهم متن این حدیث، عبارت «رَدَّ الْبَيْتِ ... إِلَى أَسَاسِهِ» است. ردّ به معنای برگرداندن است؛^۵ خواه برگرداندن ذات شیء باشد، مثل: «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ»^۶ و «فَرَدَّنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا»^۷ و خواه برگرداندن حالت باشد، مانند «ثُمَّ رَدَّنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ»^{۸،۹} اساس جمع اُس به معنای اصل ساختمان است.^{۱۰} عبارت «أَسَسْتُ دَارًا» یعنی ساختن حدود خانه و بالابردن آن از پایه‌هایش.^{۱۱} بنابراین، برگرداندن خانه به اصلش، یعنی تجدید بنای خانه به حالت اولیه‌ای که داشته است. در واقع، این روایت به صورت

۱. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۴۵۲.

۲. ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۸، ص ۴۹۰.

۳. دراسات فی علم درایة، ص ۶۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۹۸.

۵. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۸۶؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۱۷۲.

۶. سوره احزاب، آیه ۲۵.

۷. سوره قصص، آیه ۱۳.

۸. سوره تین، آیه ۵.

۹. مفردات ألفاظ القرآن، ۳۴۸؛ قاموس قرآن، ج ۳، ص ۷۹.

۱۰. الصحاح، ج ۳، ص ۹۰۳.

۱۱. تهذیب اللغة، ج ۱۳، ص ۹۶.

تلویحی به تخریب کعبه، مسجد النبی و مسجد کوفه اشاره می‌کند. روایتی که در ادامه بررسی می‌شود، صراحت بیشتری در تخریب مسجد دارد.

۲-۱-۲. بازگرداندن مسجد الحرام و مسجد الرسول و خانه کعبه به حالت اولیه

این حدیث اولین بار توسط شیخ طوسی با متن و سند در کتاب الغیبه آمده است:

عَنْهُ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْقَائِمُ يَهْدِمُ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَبُدَّهُ إِلَى أَسَاسِهِ وَمَسْجِدَ الرَّسُولِ (ص) إِلَى أَسَاسِهِ وَيَرُدُّ النَّبِيَّ إِلَى مَوْضِعِهِ وَاقَامَهُ عَلَى أَسَاسِهِ وَقَطَعَ أَيْدِي بَنِي شَيْبَةَ الشَّرَاقِ وَعَلَّقَهَا عَلَى الْكَعْبَةِ.^۱

مرجع ضمیر «هاء» در «عنه» فضل بن شاذان است. آنچه که از مشیخه تهذیب الاحکام به دست می‌آید، این است که شیخ طوسی به تمام کتب فضل بن شاذان طریق صحیح دارد و یا این که روایات را از کتب او مستقیم نقل می‌کند. با این وجود، حضور علی بن ابی حمزه در سند حدیث، از موجبات ضعف آن است.^۲

پس از او شیخ حر عاملی این روایت را بدون سند نقل کرده است.^۳ علامه مجلسی این روایت را از کتاب الغیبه شیخ طوسی نقل می‌کند؛ با این تفاوت که راوی اول را نیز مشخص می‌کند.^۴ سید نعمت الله جزایری نیز آن را بدون سند آورده است^۵ و در نهایت، آیه الله بروجردی روایت را با ذکر سند از کتاب شیخ طوسی نقل می‌کند.^۶ متن حدیث نیز بدون تغییر اساسی یا جا به جایی در این چند کتاب یکسان است. تنها در کتاب اثبات الهداة در ابتدای روایت «ان» آمده^۷ و در کتاب ریاض الأبرار فعل عَلَّقَهَا به صورت مضارع (یعلقها) آمده است.^۸

۱. الغیبة، ص ۴۷۲.

۲. درباره علی بن ابی حمزه اختلاف نظر وجود دارد و برخی معتقدند روایاتی که از او وجود دارد، مربوط به قبل از انحراف او است. آیه الله خویی حکم به ضعف بودن این راوی داده است: فلا يمكن الحكم بوثاقته وبالنتيجة يعامل معه معاملة

الضعيف (معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۲۲۶).

۳. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۳۶.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۵. ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، ج ۳، ص ۱۹۱.

۶. جامع أحاديث الشيعة، ج ۳۰، ص ۱۰۰۶.

۷. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۳۶.

۸. ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، ج ۳، ص ۱۹۱.

شیخ طوسی این روایت را در فصلی با عنوان «فصل فی ذکر طرف من صفاته و منازل و سیرته عَلَيْهِ السَّلَام» نقل کرده است. در واقع، شیخ طوسی در این فصل صفات و سیره امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را نقل می‌کند. از همین رو، می‌توان گفت که این حدیث را در مقام مدح سیره عملی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در نظر گرفته است. شیخ حر عاملی این روایت را در باب دوازدهم از ویژگی‌های امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و علامه مجلسی در باب سیره و اخلاق آن حضرت آورده است. سید نعمت الله جزایری آن را در بابی با عنوان «فی علامات خروجه (عجل الله تعالی فرجه) و فیما یحدث یوم خروجه و فی مدة ملكه و ما یلحق ذلك» آورده است. آیه الله بروجردی نیز این روایت را در باب «باب ما ورد فی أنّ القائم عَلَيْهِ السَّلَام یقطع أیدی بنی شیبه السراق» آورده است.

۲-۱-۳. ویران کردن مسجد الحرام و بازگرداندن آن به حالت اولیه و تغییر مکان مقام ابراهیم

این روایت برای اولین بار در کتاب الارشاد شیخ مفید به صورت زیر نقل شده است:

وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أَسَاسِهِ وَحَوَّلَ الْمَقَامَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ وَقَطَعَ أَيْدِي بَنِي شَيْبَةَ وَعَلَّقَهَا بِالْكَعْبَةِ كَتَبَ عَلَيْهَا هَوْلًا سَرَّاقُ الْكَعْبَةِ.^۱

سند روایت دارای تعلیق است و به همین جهت، ضعیف شمرده شده است. در منابع بعدی نیز این روایت بدون سند آمده است.^۲ متن روایت در تمامی کتاب‌ها یکسان است و تنها در بحار الانوار، به جای عبارت «عَلَّقَهَا بِالْكَعْبَةِ»، «عَلَّقَهَا عَلَى بَابِ الْكَعْبَةِ» آمده است.^۳ همچنین در کتاب الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم فعل‌های هَدَمَ، حَوَّلَ، قَطَعَ و عَلَّقَهَا به صورت مضارع آمده است.^۴ تمامی کتب مذکور، روایت را با اندکی اختلاف در نام‌گذاری در بابی با عنوان سیره امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در هنگام ظهور و یا آنچه که در دولت او اتفاق خواهد افتاد، آورده‌اند.

۲-۱-۴. تخریب خانه کعبه تا پایه‌های آن

بر طبق روایتی در بحار الانوار، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام دستور تخریب خانه کعبه را می‌دهد:

۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۳ و ۳۸۴.

۲. روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۲، ص ۲۶۵؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۱؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲،

ص ۴۶۵؛ الوافی، ج ۲، ص ۴۶۹؛ إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۴. الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، ج ۲، ص ۲۵۴.

أَقُولُ رُوِيَ فِي بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمْدَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ، عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ نُصَيْبٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ الْفَرَاتِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفْضَلِ، عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ (ع): ... يَا سَيِّدِي! فَمَا يَصْنَعُ بِالْبَيْتِ؟ قَالَ: يَنْفُضُهُ فَلَا يَدَعُ مِنْهُ إِلَّا الْقَوَاعِدَ الَّتِي هِيَ أَوَّلُ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ بِبَيْتِكَ فِي عَهْدِ آدَمَ (ع) وَالَّذِي رَفَعَهُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ (ع) مِنْهَا.^۱

روایت مذکور، روایتی طولانی است که علامه مجلسی در بابی با عنوان «ما يكون عند ظهوره بروایه المفضل بن عمر» آن را نقل کرده است. این روایت تنها در کتاب بحار الانوار نقل شده است و اثری از آن در کتب قبل و بعد از آن نیست. علامه مجلسی خود نیز در ابتدای این روایت اشاره می‌کند که در برخی از مؤلفات اصحاب ما از طریق سند مذکور چنین نقل شده است. سند این روایت، به دلیل حضور راویان مهمل، مانند علی بن عبدالله الحسنی و مجهول، مانند عمرو بن الفرات و غالی، مانند حسین بن حمدان، ضعیف محسوب می‌شود.

بررسی‌های فقه‌الحدیثی روایات فوق نشان می‌دهد که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در صدد تخریب و نابودی خانه کعبه و مسجد الحرام و مسجد النبی نیستند، بلکه با استناد به عبارت‌هایی که در ادامه هر سه روایت وجود دارد، بازگشت به حالت اولیه و سپس ساخت مجدد آن‌ها از اقدامات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است. البته لازمه این اقدامات، تخریب نیز خواهد بود؛ اما تخریب نه به معنای نابودی که در طول تاریخ توسط مشرکین و ملحدین صورت گرفته، بلکه تخریب به معنای اصلاحات است.

شواهد تاریخی وجود دارد که نشان می‌دهد محدوده کعبه و مسجد النبی با حالت کنونی آن متفاوت است. از امام صادق (ع) نقل شده است:

كَانَ طَوْلُ الْكَعْبَةِ تِسْعَةَ أَذْرُعٍ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سَقْفٌ فَسَقَّفَهَا قُرَيْشٌ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ذِرَاعًا، ثُمَّ كَسَرَهَا الْحِجَابُ عَلَى ابْنِ الزُّبَيْرِ فَبَنَاهَا وَ جَعَلَهَا سَبْعَةَ وَ عَشْرِينَ ذِرَاعًا.^۲

شیخ صدوق در توضیح این روایت می‌نویسد:

الظَّاهِرُ أن المراد ببناء عبد الله بن الزبير تسقيفها، وهدم الحجاج الكعبة من قبل عبد الملك بن مروان، لما خرج ابن الزبير وادّعى الإمامة بعد زوال ملك بني سفيان، و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۴۷.

استولی علی العراقین عشر سنین، و خطب باسمه علی المنابر، فبعث الحجاج بجند عظیم
إلیه، فتحصن ابن الزبیر بالمسجد الحرام، فوضع المنجنیق علیه حتی هدم الکعبة، و غلب
الحجاج فأخذه و صلبه سنین حتی شفعت له أمه أسماء ذات النطاقین بنت أبی بکر،
فأنزله و دفنه و قتل جماعة کثیرة بسبب خروجه.^۱

بنابراین، خانه کعبه دچار تغییراتی شده است و طبق روایات فوق، امام زمان عجل الله تعالی فرجه آن را به اساس
و صورت اولیه بازمی گردانند. بر طبق برخی از منابع اهل سنت، ایجاد تغییر و اصلاح کعبه، از
آرزوهای پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای این فرض، آرزوی پیامبر صلی الله علیه و آله را محقق خواهند کرد:

عَنْ عَائِشَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ هَذَا: أَلَمْ تَرَي أَنْ قَوْمَكَ لَمَّا بَنَوْا
الْكَعْبَةَ اقْتَصَرُوا عَنْ قَوَاعِدِ إِبْرَاهِيمَ؟ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلَا تَرُدُّهَا عَلَى قَوَاعِدِ إِبْرَاهِيمَ؟
قَالَ: «لَوْلَا حِدْثَانُ قَوْمِكَ بِالْكَفْرِ لَفَعَلْتُ».^۲

ابن کثیر ادعا کرده که این مضمون به طرق متعددی در کتب صحاح و حسان و مسانید
از عایشه نقل شده است.^۳

همچنین در منابع اهل سنت از محمد بن حسن بن زباله درباره محدوده اصلی مسجد
پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که می گوید:

وردت أربع روايات في ذراع المسجد: الأولى: سبعون ذراعاً في ستين أو يزيد، والثانية: مائة ذراع في
مائة وأنه مربع، والثالثة: أنه أقل من مائة ذراع، وهذا صادق بالأولى فليحمل عليها، والرابعة:
أنه بناه أولاً أقل من مائة في مائة ثم بناه و زاد عليه مثله في الدور...^۴

ابن زباله با وجود مباحث مفصلی که بعد از این روایت درباره محدوده مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله
نقل کرده، نتوانسته آن را تبیین کند. به هر حال، پرداختن به این مطلب در کتب اهل سنت،
نشان از این دارد که آن ها نیز به دنبال محدوده اصلی آن هستند.

۲-۲. تخریب قسمتی از مسجد یا متعلقات آن

منظور، روایاتی است که بر اساس آن ها، قسمتی از بنای مساجد - که شامل سقف، مناره،
منبر و مقصوره های مساجد است - تخریب خواهد شد.

۱. همان.

۲. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۵۷۳.

۳. البداية و النهاية، ج ۸، ص ۲۸۹.

۴. وفاء الوفاء باخبار دار المصطفى، ج ۱، ص ۲۶۲.

۲-۱. تخریب چهار مسجد کوفه تا پایه‌های آن‌ها و بازگرداندن مساجد به عهد رسول خدا ﷺ
 ابوبصیر ضمن حدیثی از امام باقر (ع) نقل می‌کند:

عَنْهُ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي حَدِيثٍ لَهُ اخْتَصَرْتَاهُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (ع) دَخَلَ الْكُوفَةَ وَأَمَرَ بِهَدْمِ الْمَسَاجِدِ الْأَرْبَعَةِ حَتَّى يَبْلُغَ أَسَاسَهَا وَيُصَيِّرُهَا عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى، وَتَكُونَ الْمَسَاجِدُ كُلُّهَا جَمَاءً لَا شُرْفَ لَهَا كَمَا كَانَتْ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، وَيُوسِّعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ فَيُصَيِّرُ سَبْتَيْنِ ذِرَاعًا، وَيَهْدِمُ كُلَّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ وَيَسُدُّ كُلَّ كُوَّةٍ إِلَى الطَّرِيقِ، وَكُلَّ جَنَاحٍ وَكِنِيفٍ وَمِزَابٍ إِلَى الطَّرِيقِ...^۱

این روایت اولین بار توسط شیخ در کتاب الغیبه آمده است. بعد از او بهاء الدین نیلی (م ۸۰۳ق) در کتاب سرور اهل ایمان، در فصلی با عنوان «علامات ظهور القائم» این روایت را نقل کرده است.^۲ سپس در کتاب‌های دوره‌های بعدی به نقل از شیخ طوسی آمده است.^۳ برخی از نویسندگان معاصر نیز این روایت را ذیل اصلاحات اجتماعی و تجدید ساختمان مساجد آورده‌اند^۴ که همگی نشان دهنده پذیرش امر مذکور توسط نویسندگان مورد بحث است. مرجع ضمیر در عنه فضل بن شاذان است و شیخ به او طریق صحیح دارد. در سند این روایت علی بن ابی حمزه قرار دارد. رجالیان، حکم به ضعیف بودن این راوی داده‌اند.^۵ در این روایت به دو عمل اشاره شده است:

یکی، تخریب ساختمان چهار مسجد در کوفه تا پایه‌هایشان و تبدیل آن به سایبان؛ دوم، بازگرداندن شکل ظاهری مساجد به صورتی که در زمان پیامبر ﷺ ساخته می‌شد (مساجد کوتاه، بدون بلندی و کنگره).

سابقه تخریب مساجد در اسلام به دستور پیامبر ﷺ به تخریب مسجد ضرار بازمی‌گردد که به دست منافقین ساخته شده بود^۶ و ظاهراً تخریب کلی مساجد به دست امام زمان (ع) نیز درباره چنین مساجدی صادر خواهد شد. این عمل پیروی از سنت پیامبر ﷺ و اطاعت از

۱. الغیبه، ص ۴۷۵؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۶۶.

۲. سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان، ص ۶۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائط، ج ۳، ص ۳۸۶.

۴. نشانه‌های از دولت موعود، ص ۲۰۱.

۵. معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۲۲۶؛ فلا يمكن الحكم بوثاقته و بالنتيجة يعامل معه معاملة الضعيف.

۶. مجمع البيان، ج ۵، ص ۱۰۹.

دستور الهی است. درباره این که این مساجد کدام هستند، روایاتی که نام این مساجد در آن‌ها ذکر شده باشد، وجود ندارد؛ اما برخی از مساجد کوفه به جهت بنیان‌گذاران منافق آن‌ها و یا نیت‌های سوء تأسیسشان ملعونه شمرده شده و از نماز خواندن در آن‌ها نهی شده است.^۱

درباره بازگرداندن شکل ظاهری مساجد به مساجد زمان پیامبر ﷺ و اصلاحات ظاهری آن‌ها، آنچه که این روایت به آن اشاره دارد، عبارت «وَتَكُونُ الْمَسَاجِدُ كُلُّهَا جَمَاءً لَا شُرَفَ لَهَا كَمَا كَانَتْ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ» است. کلمه شُرَف جمع الشُرْفه به معنای آن چیزی است که قصرها بدان بالا برده شده و ممتاز می‌شوند^۲ و کلمه جَمَاء به معنای بزی است که شاخ ندارد.^۳ بنابراین، شُرَف، برجستگی‌های خاصی است که در دیوارهای بالایی قصرها دیده می‌شود و کلمه جماء - که در تقابل با این لغت در روایت قرار دارد - بر صافی و کوتاهی و بدون برجسته بودن ناظر است.

مجلسی اول در کتاب روضة المتقین حدیث معتمد یا موثقی را نقل می‌کند که بر طبق آن، حضرت علی رضی الله عنه در کوفه، مسجدی را دیدند که کنگره داشت. حضرت فرمود:

به مساجد یهود می‌ماند. به درستی که مساجد را با کنگره نباید ساخت، بلکه دیوارش را باید هموار ساخت که کنگره نداشته باشد.^۴

ایشان در توضیح روایت می‌نویسد:

این اخبار اگر چه خالی از ضعف نیست و لیکن چون میان اصحاب، عمل به این‌ها مشهور است، ضعف آن جبران می‌شود و اگر فقها در مستحبات به حدیث ضعیف عمل نموده‌اند، در حقیقت به حدیث صحیحی عمل کرده‌اند که ظاهرش دلالت می‌کند بر آن که در مستحبات، عمل به حدیث ضعیف می‌توان کرد.^۵

همچنین از ابن عباس روایتی نقل شده است:

۱. الکافی، ج ۳، ص ۴۹۰.
۲. کتاب العین، ج ۶، ص ۲۵۲؛ تهذیب اللغة، ج ۱۱، ص ۲۳۴؛ القاموس المحيط، ج ۳، ص ۲۱۳.
۳. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۵، ص ۱۸۹۱؛ کتاب العین، ج ۶، ص ۲۷؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۶، ص ۱۱۹.
۴. و رای علی صلوات الله علیه مسجدا بالكوفة قد شرف قال کاته بیعة ان المساجد لا تشرف تبني جمًا.
۵. لوامع صاحبقرانی، ج ۳، ص ۲۵۶.

أَمْرِنَا أَنْ نَبْنِيَ الْمَدَائِنَ شُرْفًا وَالْمَسَاجِدَ جُمًّا^۱.

آنچه که در معنای این دو واژه «شُرف و جُم» قابل ذکر است، این که نوعی برجستگی در واژه شُرف وجود دارد. این برجستگی گاه به معنای مطلق بلندی است؛ همان طور که در معنای این واژه آمده است:

الشُّرْفُ: مَا أُشْرِفَ مِنَ الْأَرْضِ وَمَشَارِفِ الْأَرْضِ: أَعَالِمِهَا^۲.

و در روایت ابن عباس احتمالاً بر بلند ساختن دیوارهای شهرها دلالت دارد و گاه برجستگی خاص قصرهاست.

اشاره شد که اولاً قصرها نسبت به سایر ساختمان‌ها بلندتر هستند و همچنین در ساخت آن‌ها معماری خاصی به کار رفته که سبب ممتاز شدن آن‌ها بر سایر اماکن است. این که مجلسی اول آن را به کنگره‌دار بودن شرح کرده است، به دلیل کنگره‌دار بودن قصرهایی است که در معماری ایرانی ساخته می‌شد و ممکن است قصرهای بلاد عربی فاقد کنگره بوده باشند؛ اما قطعاً در ساخت قصرها از معماری خاصی استفاده می‌کردند که آن‌ها از سایر ابنیه متفاوت می‌کرد. به هر حال آنچه از این روایت به نظر می‌رسد این است که اقدام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در این زمینه، ناظر بر خالی کردن ساختمان مساجد از هر چیزی است که مسجد را شبیه کاخ و قصر کرده و از عرف عادی خودش خارج می‌کند. در واقع تمایز معماری و سبک خاص مساجد در سادگی و عدم تأثیرپذیری از ابنیه اشرافی مانند قصرهاست.

۲-۲-۲. تخریب منبرها و مقصوره‌های مساجد

از امام عسکری (عجل الله تعالی فرجه) این چنین نقل شده است که وقتی قائم (عجل الله تعالی فرجه) قیام کند، به خراب نمودن منبرها و مقصوره‌هایی که در مساجد ساخته شده است، امر می‌فرماید و دلیل آن را نیز بدعت در ساخت مساجد بیان نموده‌اند.

این روایت به دو طریق و در دو منبع آمده است. در طریق اول، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) در کتاب مناقب آل ابی طالب، بدون ذکر سند، روایت را از ابوهاشم از امام عسکری (عجل الله تعالی فرجه) نقل کرده و می‌نویسد:

أَبُو هَاشِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ (عجل الله تعالی فرجه) إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَأْمُرُ بِهَذَا الْمَنَابِرِ وَالْمَقَاصِرِ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ.

۱. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۵۳؛ النهاية في غريب الحديث والأثر، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. کتاب العين، ج ۶، ص ۲۵۲؛ القاموس المحيط، ج ۳، ص ۲۱۳؛ تهذيب اللغة، ج ۱۱، ص ۲۳۴.

فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: لِأَيِّ مَعْنَى هَذَا؟ فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ، وَقَالَ: مَعْنَى هَذَا أَنَّهَا مُحَدَّثَةٌ مُبْتَدَعَةٌ لَمْ يَبْنِهَا نَبِيٌّ وَلَا حُجَّةٌ.^١

ابوهاشم همان داود بن القاسم بن إسحاق بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب است که نجاشی، طوسی، ابن داود و علامه حلی و آیه الله خویی او را ثقة دانسته‌اند.^٢ تنها کتشی، پس از ذکر جایگاه بزرگ او نزد سه امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام عبارت ارتفاع من القول را درباره او استفاده کرده^٣ که از نظرایه الله خویی با توجه به تمجید کتشی از او و ذکر جایگاه بلندش نزد سه امام مذکور، احتمال تحریف در متن او و یا این که منظور او از این عبارت مطلبی غیر از غلبه بوده را مطرح کرده و حکم به ثقة بودن او داده است.^٤ با وجود جایگاه بلند راوی این حدیث، اما طریق ابن شهرآشوب به او مشخص نیست و به دلیل تعلیق سند، روایت دارای ضعف است.

در طریق دوم، طبرسی (م ٤٨٠هـ) این روایت را در کتاب اعلام السوری، با این متن و سند آورده است:

وَحَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو هَاشِمٍ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ علیه السلام، فَقَالَ: إِذَا خَرَجَ (أَوْ قَامَ) الْقَائِمُ أَمْرَهُمْ الْمُنَابِرِ وَالْمُقَاصِرِ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ. فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: لِأَيِّ مَعْنَى هَذَا؟ قَالَ: فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ، وَقَالَ: مَعْنَى هَذَا أَنَّهَا مُحَدَّثَةٌ مُبْتَدَعَةٌ لَمْ يَبْنِهَا نَبِيٌّ وَلَا حُجَّةٌ.^٥

روایت دارای تعلیق است و طریق طبرسی به احمد بن محمد بن یحیی مشخص نیست. به علاوه، احمد بن محمد بن یحیی مهمل^٦ یا مجهول^٧ شمرده شده است. پس سند روایت ضعیف است. پس از طبرسی، این روایت در چندین کتاب نقل شده است.^٨ محدث نوری

١. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ٤، ص ٤٣٧.
٢. رجال النجاشی، ص ١٥٦؛ رجال الطوسی، ص ٣٧٥؛ فهرست الطوسی، ص ١٨١؛ رجال ابن داود، ص ١٤٦؛ الخلاصة للعلی، ص ٦٨؛ معجم رجال الحدیث، ج ٧، ص ١٢٠.
٣. رجال الکشی، ص ٥٧١.
٤. معجم رجال الحدیث، ج ٧، ص ١٢٠.
٥. إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ٣٧٣.
٦. رجال ابن داود، ص ٤٤.
٧. معجم رجال الحدیث، ج ٢، ص ٣٣٠.
٨. الخرائج والجرائح، ج ١، ص ٤٥٣؛ إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ٥، ص ٢٤؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ٢، ص ١٤٧؛ مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر و دلائل الحجج علی البشر، ج ٧، ص ٥٦٩؛ بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٣٧٦.

(م ۳۲۰ق) از این روایت کراهت بلندی مناره‌های مسجد را استنباط کرده و حکم به استحباب هم سطح بودن آن با سطح مسجد را داده است.^۱

۲-۳. تخریب مناره و منبرهای مساجد

این روایت، مضمونی مشابه با دو روایت قبلی دارد با این تفاوت که به جای منبر، در متن حدیث کلمه مناره آمده است:

وَرَوَى سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ قَاسِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ يَهْدِمُ الْمَنَارَ وَالْمَقَاصِيرَ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ. فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: لِأَيِّ مَعْنَى هَذَا؟ فَأَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ: مَعْنَى هَذَا أَنَّهَا مُحَدَّثَةٌ مُبْتَدَعَةٌ لَمْ يَبْنِهَا نَبِيٌّ وَلَا حُجَّةٌ.^۲

شیخ طوسی این روایت را اولین بار در کتاب الغیبة، در باب کلام با واقفه آورده است. روایت با وجود این که دارای تعلیق است، اما به نقل آیه الله خویی طریق شیخ طوسی به سعد بن عبدالله (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ق) صحیح است.^۳ و با توجه به این که سعد بن عبدالله شیخ الطائفة، فقیه و ثقه معرفی شده است^۴ و داود بن هاشم نیز ثقه است، این روایت صحیح است. محدث نوری در کتاب مستدرک الوسائل این روایت را در باب «بَابُ كَرَاهَةِ الْمَحَارِبِ الدَّاخِلَةِ فِي الْمَسَاجِدِ» آورده است.^۵

در روایت فوق، به دو بخش از مسجد اشاره شده است: یکی، مقصوره و دیگری، منابر که در یکی از روایات به جای منابر، مناره آمده است.

مقاصیر، جمع مقصوره، به خانه گشاد و بزرگ گفته می‌شود و مقصورة الدار به معنای یکی از اتاق‌های خانه است.^۶ مقصوره در مسجد، غرفه مانندی محصور بود که پیش‌نماز در آن می‌ایستاد. در واقع، مقصوره، دیواره یا مکانی بسته در اطراف محراب مسجد است که برای محافظت حاکمان اسلامی، پس از کشته شدن سه خلیفه اول، عمر، عثمان و علی، ساخته شد.^۷ علمای شیعه ساخت مقصوره را در مسجد به جهت این که بین امام و ماموم فاصله

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۷۹.

۲. الغیبة، ص ۲۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۵۰ و ج ۵۲، ص ۳۲۳.

۳. معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۷۹.

۴. رجال النجاشی، ص ۱۷۷؛ فهرست الطوسی، ص ۲۱۵؛ رجال ابن داود، ص ۱۶۸؛ الخلاصة للحلی، ص ۷۸.

۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۸۴.

۶. فرهنگ جدید عربی - فارسی: ترجمه منجد الطلاب، ص ۵۳۸.

۷. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۱۳۴۳.

می اندازد، شرعاً دارای اشکال می دانند.^۱

در دوره معاصر، شهید سید محمد صدر این روایت را در کتاب تاریخ الغیبة الصغری، به نقل از المناقب ابن شهر آشوب آورده است و درباره آن، این چنین می نویسد:

أن يتخذ بيان الامام عليه السلام عن المهدي شكل النقد السياسي لبعض الأوضاع القائمہ آنشد، مقترنة بفكرة ان المهدي عليه السلام حينما يظهر فانه يأمر بتغييرها. وكل ما يأمر المهدي بتغييره فهو باطل للتسالم على كون حكمه قائماً على العدل الاسلامي، كما جاء به رسول الله صلى الله عليه وآله.

فمن ذلك قوله عليه السلام: اذا خرج القائم يأمر بهدم المنابر والمقاصير التي في المساجد... و المقاصير غرف معينة بناها الخلفاء في المساجد حتى يصلوا فيها بامامة الجماعة منفصلين عن جماعتهم، لأجل حفظ غرضين من اغراضهم هما الأمن اثناء الصلاة من الاعتداء و زرع الهيبة في نفوس الآخرين. وهذا العمل مما يعتقد الامام بطلانه، و لا زال من واضحات الفقه الامامي فساد الجماعة إذا صليت بانفصال الامام عن المأمومين. و من ثم يكون من الحق ان يأمر المهدي بازالة ذلك عن الوجود. غير اننا نجد الراوي لم يفهم الوجه في ذلك، و تساءل في نفسه مستغرباً: لأى معنى هذا، فيقبل عليه الامام و يقول: معنى هذا انها محدثة مبتدعة لم يبينها نبى و لا حجة.^۲

همچنین مجلسی اول در کتاب روضة المتقين این چنین می نویسد:

از جمله بدعت های عثمان این بود که داخل مسجد برای خود مقصوره ساخت که خود در آنجا بایستد و از دیگران ممتاز باشد و والیان عثمان نیز در بلاد اسلام این چنین کردند و حضرت امیر المؤمنین عليه السلام در زمان خلافت، بدعت های عثمان را بر طرف می نمودند؛ اما بدعت های ابو بکر و عمر را نمی توانستند بر طرف کنند.^۳

درباره تخریب منابر، برخی از محققان معاصر در تفسیری ذوقی معتقدند به دلیل این که منبرها دیگر جنبه ارشاد و هدایت مردم را ندارد، بلکه به وسیله ای برای تقویت فرمانروایان ستمگر و خائن و توجیهی برای نفوذ دشمنان در سرزمین های اسلامی تبدیل شده است، دستور به ویرانی آن ها داده خواهد شد.^۴

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیه الله مکارم شیرازی.

۲. تاریخ الغیبة الصغری، ج ۱، ص ۲۱۶.

۳. لوامع صاحبقرانی، ج ۳، ص ۲۵۵.

۴. نشانه هایی از دولت موعود، ص ۲۰۲.

درباره مناره مساجد، چند مطلب شایان توجه است:

اول، این که مساجد در زمان پیامبر ﷺ فاقد مناره بودند. محمد بن یعقوب کلینی و شیخ طوسی در حدیث صحیحی از ابا عبدالله جعفر بن محمد ع نقل می‌کنند:

كَانَ طُولُ حَائِطِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَامَةً، فَكَانَ يَقُولُ لِبَلَالٍ: إِذَا دَخَلَ الْوَقْتُ يَا بَلَالُ اْعْلُ فَوْقَ الْحِدَارِ وَارْزُقْ صَوْتَكَ بِالْأَذَانِ.^۱

همچنین شیخ طوسی از ابا الحسن موسی بن جعفر ع نقل می‌کند که از استحباب اذان بر مناره از ایشان سؤال شد، پاسخ دادند:

إِنَّمَا كَانَ يُؤَذِّنُ لِلنَّبِيِّ ﷺ فِي الْأَرْضِ وَلَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ مَنَارَةً.^۲

در نرم افزار درایة النور، این روایت موثق معرفی شده است. علامه مجلسی نیز نقل می‌کند:

وكان مسجده بلا منارة وكان بلال يؤذن على الأرض...^۳

اما دلیلی که نشان‌گر دهد مساجد در زمان عمرو و عثمان مناره داشته‌اند، وجود ندارد.^۴ روایتی از محمد بن بابویه و همچنین شیخ طوسی نقل شده است که مساجد در زمان علی ع دارای مناره بوده‌اند:

أَنَّ عَلِيًّا ع مَرَّ عَلَى مَنَارَةٍ طَوِيلَةٍ فَأَمَرَ بِهَدْمِهَا، ثُمَّ قَالَ: لَا تُرْفَعُ الْمَنَارَةُ إِلَّا مَعَ سَطْحِ الْمَسْجِدِ.^۵

این روایت در کتاب من لایحضره الفقیه دارای تعلیق بوده، ولی در کتاب تهذیب الاحکام، دارای سند است و نرم افزار درایة النور آن را موثق معرفی کرده است. مجلسی اول نیز این حدیث را قوی دانسته است.^۶

شیخ صدوق در توضیح روایت می‌نویسد:

يفهم منه حرمة بناء المنارات العالية لحرمة الاشراف على بيوت المسلمين، و حمله الاكثر على الكراهة وان حكموا بجرمة الاشراف.^۷

صاحب دعائم الاسلام، ذیل همین روایت - البته روایتی که او از امام علی ع نقل کرده،

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۵۸.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۸۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۱۱.

۴. الظاهر أن عمرو و عثمان رضی الله عنهما لم يتخذا في المسجد منارة (وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، ج ۲، ص ۱۰۲).

۵. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۹.

۶. لواع صاحبقرانی، ج ۳، ص ۲۷۴.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۹.

به جای کلمه مناره، مأذنه آمده است - توضیح می دهد:

وهذا والله أعلم في المئذنة إذا كانت تكشف دور الناس ويرى منها ما فيها من رقي إليها
فهذا ضرر للناس وكشف لحرمتهم ولا يجوز ذلك.^۱

اما این که آیا ساخت مناره برای مساجد جایز است یا خیر، برخی معتقدند که ساخت مناره برای مسجد جایز نیست؛^۲ اما آنچه با توجه به شروح از روایت اخیر به نظر می رسد، این است که این روایت ضمن اعتبار مناره در مسجد، فقط از مناره بلندتر از سطح مسجد منع کرده است. در واقع، امام علی علیه السلام ضمن الغای مناره مرتفع فرمود: «ترفع المنارة مع سطح المسجد» و مناره هم سطح مسجد را اعتبار نموده اند.

این مطالب در صورتی مؤید بحث این مقاله خواهد بود که کلمه مناره را به معنای مأذنه در نظر بگیریم؛ اما در معنای واژه مناره در کتب لغت دو معنا ذکر شده است: کلمه مناره بروزن مفعله به معنای جایگاهی است که در گذشته در آن آتش روشن می کردند تا بتوانند راه را پیدا کنند.^۳ همچنین به معنای مأذنه، یعنی جایی که بر آن اذان می گویند، تعبیر شده است.^۴

مجلسی اول در شرح این روایت گفته است:

و به سند قوی از سکونی منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گذشتند بر مناری. پس فرمودند که منار را کنند و فرمودند که منار را بلند نمی باید کرد، مگر با سطح. و اصل منار از مجوس بود که چون آتش را می پرستیدند، منارهای بلند می ساختند که بر بالای آنها آتش بیافروزند و تعظیم آتش کرده باشند و چون بلاد عجم مفتوح شد و عراق عرب را نیز ملوک عجم داشتند، عمر گفت که مناره‌ها به حال خود باشد و بر بالای آنها اذان بگویند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام امر به هدم آن فرمودند، چون سبب اشراف بر خانه‌های مسلمانان [می شد] و آن حرام است. و فرمودند که در زمان حضرت، محل اذان در دیوار مسجد بود و از سطح مسجد بلندتر نبود، همان مقدار بلند کردن خوب است و زیاده بد است.

۱. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲. تعلیقات بر تهذیب الأحکام، ج ۲، کتاب صلاة، ص ۶۳، ح ۲۰۶.

۳. کتاب العین، ج ۸، ص ۲۷۶؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۵۶۴.

۴. همان.

و از این حدیث نیز فهمیده‌اند که می‌باید در میان مسجد نباشد؛ چون در زمان حضرت متصل به دیوار مسجد بود. و لفظ حدیث صریح نیست در این معنا. و اگر در میان مسجد نباشد، بهتر است. و منار مسجد خیف - که در میان مسجد است و بلند است - ظاهراً در زمان ملاءین ساخته باشند. و نیست در جایی که در زمان حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله بوده باشد؛ با آن که چون در آن حوالی خانه نیست، بلند کردن آن ضرر ندارد. و ممکن است که در صحرا نیز خوب نباشد تا مشابهت به مجوس نداشته باشند.^۱

با توجه به کتب لغوی و توضیحات مجلسی اول، به نظر می‌رسد که مناره در این روایت، به معنای آتش دانی (یا پایه‌ای که آتش دان را روی آن قرار می‌دادند) است که بالای ستونی می‌گذاشتند. و احیاناً برای این که با عمل مجوس تشبه پیدا نکند و یا مزاحمتی برای همسایگان نباشد، حضرت دستور تخریب دادند و محتمل است عمل امام زمان عجل الله تعالی فرجه بر تخریب مناره‌ها نیز چنین حالتی داشته باشد.

۲-۲-۴. شکستن سقف مساجد و پوشاندن آن با سایبانی شبیه به سایبان زمان حضرت موسی
 شیخ صدوق روایتی را از امام باقر علیه السلام در کتاب من لایحضره الفقیه، در باب «بَابُ فَضْلِ الْمَسَاجِدِ وَ حُرْمَتِهَا وَ ثَوَابِ مَنْ صَلَّى فِيهَا» آورده است که اولین چیزی که حضرت قائم علیه السلام با آن شروع می‌کند، سقف‌های مساجد است که همه را می‌شکند و ویران می‌کند و همچون سایه بان موسی، سایه بان قرار داده می‌شود. متن حدیث چنین است:

وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِهِ قَائِمُنَا سُقُوفَ الْمَسَاجِدِ فَيَكْسِرُهَا وَيَأْمُرُ بِهَا فَيُجْعَلُ عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى.^۲

روایت معلق است و شیخ صدوق آن را از تعلیق خارج نکرده است. ملامحسن فیض کاشانی در کتاب الوافی این روایت را در باب «بناء المساجد و أن الأرض كلها مسجد» مؤید حدیثی که نماز خواندن در مساجد بدون سقف را جایز می‌داند، آورده است.^۳
 علامه مجلسی نیز در بحار الانوار، در توضیح روایت، جایز بودن نماز در مساجد بدون سقف را ذکر کرده است. مجلسی اول در کتاب روضة المتقین چنین می‌نویسد:

۱. لوامع صاحبقرانی، ج ۳، ص ۲۷۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۸.

۳. الوافی، ج ۷، ص ۴۹۲.

و منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که اول کاری که حضرت صاحب الامر ما خواهد کرد، این خواهد بود که سقف‌های مساجد را بکند و داربستی کند، مثل چوب‌پوشی که حضرت موسی علیه السلام کردند. و از پیش گذشت و جمعی از علما ذکر کرده‌اند که داربست در بلاد حازه خوب است؛ اما در بلاد بارده - که برف و باران می‌آید و یخ می‌بندد - اگر مسجد سقف نداشته باشد، سبب این می‌شود که کسی در مسجد نماز نکند. پس خوب است که بعضی مسقف باشد و بعضی سر گشاده و تا مقدور باشد در سر باز نماز کنند و چون هوا بسیار سرد شود، در مسقف نماز کنند. و لیکن چون الیوم - که حضرت ظاهر نیست - حضرات ائمه معصومین ما را رخصت داده‌اند، بهتر آن است که به آن رخصت نماز کنیم تا حضرت صاحب الامر ظاهر شود و بعد از ظهور هر چه فرمایند، متابعت کنیم. و الله تعالی يعلم.^۱

در روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام از کراهت خواندن نماز در مساجد مُظَلَّلَه (مسقف) سؤال شد، ایشان ضمن تأیید این مطلب فرمود:

وَلَكِنْ لَا يَضُرُّكُمْ الْيَوْمَ وَلَوْ قَدْ كَانَ الْعَدْلُ لَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ.^۲

همچنین نقل شده که این روایت براستجاب حمل شده است؛ زیرا نبودن مانع و حایل بین نمازگزار و بین آسمان مستحب است و نبودن حایل یکی از اسباب قبولی نماز و استجاب دعا است.^۳

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های سند و فقه الحدیثی روایات مربوط به تخریب مساجد توسط امام زمان علیه السلام این نتایج حاصل شد:

از میان روایات مربوط به اقدامات امام زمان علیه السلام نه روایت اختصاص به تخریب مساجد دارد که به دو دسته قابل تقسیم هستند:

دسته اول، روایاتی است که به تخریب و بازگرداندن خانه کعبه، مسجد النبی، مسجد الحرام و مسجد کوفه به حالت اولیه‌شان اشاره دارد. از مجموع چهار روایتی که در این بخش

۱. لوامع صاحبقرانی، ج ۳، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۸.

۳. نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۲۰۳.

قرار دارد هیچ کدام سند صحیح ندارند. از لحاظ دلالتی نیز، آنچه که از مجموع این چند روایت به دست می‌آید، این است که امام زمان درصدد تخریب و نابودی خانه کعبه و مسجد الحرام و مسجد النبی نیستند، بلکه با استناد به عبارت‌هایی که در ادامه هر سه روایت وجود دارد و شواهد تاریخی دال بر وقوع تغییراتی در ساختمان این ابنیه، بازگشت به حالت اولیه و سپس ساخت مجدد آن‌ها، از اقدامات امام زمان است. البته لازمه این اقدامات تخریب نیز خواهد بود؛ اما تخریب، نه به معنای نابودی - که در طول تاریخ از سوی مشرکین و ملحدین صورت گرفته - بلکه تخریب به معنای اصلاحات.

دسته دوم، روایاتی است که بر اساس آن چهار مسجد در کوفه و همچنین قسمتی از بنای مساجد - که شامل سقف، مناره، منبر و مقصوره‌های مساجد است - تخریب خواهد شد. از مجموع پنج روایت، یک روایت - که به موضوع تخریب منبر و مقاصیر اشاره می‌کند - صحیح و چهار روایت دیگر ضعیف است.

از لحاظ دلالتی، روایتی که به تخریب چهار مسجد کوفه می‌پردازد، به لحاظ شواهد قرآنی، تاریخی و روایی، محتمل درباره مساجدی خواهد بود که برپایه تقوا ساخته نشده‌اند و این عمل پیروی از سنت پیامبر و اطاعت از دستور الهی است. درباره این که این مساجد کدام هستند، روایاتی که نام این مساجد در آن‌ها ذکر شده باشد، وجود ندارد، اما برخی از مساجد کوفه به جهت بنیان‌گذاران منافق آن‌ها و یا نیت‌های سوء تأسیسشان ملعونه شمرده شده‌اند و از نماز خواندن در آن‌ها نهی شده است.

آنچه که از روایات بیان‌گر تخریب شکل ظاهری مساجد و مقصوره و منبر و مناره به نظر می‌رسد، این است که اقدام امام زمان در این زمینه‌ها اولاً ناظر بر خالی کردن ساختمان مساجد از هر چیزی است که مسجد را شبیه کاخ و قصر کرده و از عرف عادی خودش خارج می‌کند و در واقع، تمایز معماری و سبک خاص مساجد در سادگی و عدم تأثیرپذیری از ابنیه اشرافی، مانند قصرها و عدم تشبیه به عمل مجوس است و ثانیاً خالی کردن مساجد از بدعت‌هایی است که در طول تاریخ به این اماکن اضافه شده است و همچنین رفع مزاحمت برای همسایگان مساجد.

درباره روایتی که به تخریب سقف مساجد اشاره دارد، نماز خواندن در آن‌ها در زمان غیبت، با وجود کراهت وارد شده در روایات، بدون اشکال، اما تصمیم‌گیری درباره آن به زمان برپایی حکومت عدل الهی سپرده شده است.

کتابنامه

- قرآن کریم
- إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، شیخ محمد بن حسن حرعاملی، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق.
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد مفید، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، تهران: اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- البداية و النهاية، ابن کثیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی زبیدی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- تاریخ الغیبة الصغری، محمد صدر، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
- تعلیقات بر تهذیب الأحکام، علی اکبر غفاری، تهران: مکتبة الصدوق، بی تا.
- تهذیب الأحکام، محمد بن الحسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- تهذیب اللغة، محمد بن احمد ازهری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۱م.
- جامع أحادیث الشیعة، آقا حسین بروجردي، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
- الخرائج و الجرائح، قطب الدین سعید بن هبة الله راوندی، قم: مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق.
- خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، حسن بن علی حلی، قم: نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- دراسات فی علم درایة، غفاری، علی اکبر، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ش.
- دعائم الإسلام، ابن حیون، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
- دلیل روشن، نصرت الله آیتی، قم: آینه روشن، ۱۳۹۳ش.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
- الرجال، حسن بن علی بن داود حلی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
- رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، محمد بن عمر کشی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۶۳ش.

- روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقى مجلسى، قم: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، محمد بن احمد فتال نيشابورى، قم: انتشارات رضى، ۱۳۷۵ش.
- رياض الأبرار فى مناقب الأئمة الأطهار، نعمت الله بن عبد الله جزايرى، بيروت: مؤسسة التاريخ العربى، ۴۲۷ق.
- سرور أهل الإيمان فى علامات ظهور صاحب الزمان عليه السلام، بهاء الدين على بن عبد الكريم نيلى، قم: دليل ما، ۱۳۸۴ق.
- الصالح تاج اللغة و صحاح العربية، أبو نصر جوهرى، بيروت: دار العلم للملايين، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل بخارى، بيروت: دار ابن كثير، ۱۴۰۷ق.
- الصراف المستقيم إلى مستحقى التقديم، على من محمد عاملى نباطى، نجف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۴ق.
- الغبية، محمد بن حسن طوسى، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ سوم، ۱۴۲۵ق.
- فرهنگ جديد عربى - فارسى: ترجمه منجد الطلاب، فواد افرام البستاني، مترجم: محمد بندر ريگى، تهران: اسلامى، ۱۳۸۹ش.
- فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسى، قم: مكتبة المحقق الطباطبائى، ۱۴۲۰ق.
- القاموس المحيط، محمد بن يعقوب فيروز آبادى، بيروت: مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ هشتم، ۱۴۲۶ق.
- قاموس القرآن، على اكبر قرشى، تهران: دار الكتب الاسلامية، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
- الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تهران: دار الكتب الاسلاميه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- كتاب العين، خليل بن أحمد فراهيدى، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- كشف الغمة فى معرفة الأئمة، على بن عيسى اربلى، تبريز: بنى هاشمى، ۱۳۸۱ق.
- لسان العرب، ابن منظور، بيروت: دار الفكر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- لغت نامه دهخدا، على اكبر دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.

لوامع صاحبقرانی، محمد تقی مجلسی، قم: موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
مدینه المعجز، هاشم بن سلیمان بحرانی، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام،
۱۴۰۸ق.

معجم رجال الحدیث، ابوالقاسم خویی، بی جا، بی نا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
معجم مقاییس اللغة، أحمد بن فارس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، محمد باقر مجلسی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی،
۱۴۰۶ق.

من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
نشانه‌هایی از دولت موعود، نجم الدین طبری، قم: بوستان کتاب قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش.
النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ابن اثیر مبارک بن محمد جزری، قم: موسسه مطبوعاتی
اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.

الوفاء، محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی، اصفهان: کتابخانه امام أمير المؤمنين
علی علیهم السلام، ۱۴۰۶ق.

وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، علی بن احمد سمهودی، بیروت: دارالکتب العلمیه،
۱۹۷۱م.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیه الله مکارم شیرازی.